پیکارپامیر
٢٠١٦/٠٢/٤

وقایع افغانستان از ٢٠٠١ تا ٢٠١٤ میلادی

(بخش ٣٥)

بدرفتاری دولت ایران با پناهنده گان افغان

قبل ازآنکه موضوع مربوط به ارتباطات پنهانی دولتها با گروه تروریستی طالبان را ادامه دهیم، لزوماً بایستی بد رفتاری دولت جمهوری اسلامی ایران با پناهنده گان افغا ن را نیزمختصراً شرح میدهیم و آنگاه برخواهیم گشت به اصل موضوع .تنها ارتباط پنهانی دولت ایران با گروه طالبان و یا صحبت ازتحویلدهی سلاح و کمُکهای مالی و لوژستیکی برای گروه مذکورعلیه منافع ملی مردم افغانستان مطرح نبود، بلکه موضوعِ بدرفتاری، تحقیر، کشتن، بستن، زندانی ساختن افغانها و حتا آتش زدن به کاشانه های غریبانهٔ خانواده های مهاجر و اعدامِ جوانانِ افغان درآن کشور نیزمطرح بود وهست. جاوید لودین معینِ سیاسی وزارت امورخارجه درمجلسِ سنای افغانستان رسماً اظهارداشت که : " پنجهزار افغان همین حالا در زندانهای ایران بسر میبرند و دوصد و هشتاد نفر افغان منتظرِ اعدامِ خویش هستند" همچنان، نمایندهٔ هرات در مجلس سنا گفت که " ایران همیشه به زور و خود سرانه بخاکِ ما تجاوز میکند، پاسگاه میسازد، دیوار میکند وهمه روزه اجسادِ اعدام شده ی افغانها را رد مرز مینماید. (١٢٢)

درشب وروزیکه این سطوررقم زده میشدند، گزارشهای تکان دهنده وهولناکی ازاعمال و کردارِمنسوبینِ جمهوری اسلامی ایران علیه افغانهای بی کس و پناهنده دررسانه های افغانی وغیر افغانی نیز منتشرگردیدند. دراین گزارشها، همانطورکه قبلاً نیز تذکر داده شد، علاوه از تحقیر، لت و کوب و فحاشی افغانها توسط مؤظفینِ حکومتی، از آتش زدن به منازلِ فقیرانهٔ پناهنده های افغان در شهرهای مختلفِ ایران و ازجمله، شهرِ یزد و اعدام های گروهی در ملأ عام تذکر رفت. این اقدامات و اجراآتِ بی مروتانهٔ جمهوری اسلامی ایران علیه افغانهای غربت نشین درحالی انجام داده میشد که هیچ نوع واکنشی از سوی مقام های دولتی افغانستان در این مورد بمشاهده نمیرسید .

وبسایتِ" مشعل " درماه می سال ٢٠١٤م نوشتهٔ یکی از دانشمندان ایرانی بنام " سیامک ستوده " را به نشر رسا نید که چنین میگفت ... " : **بنابرگزارشِ یک شاهد عینی از روستای نظام آباد قزوین، روز گذشته، گروهی از ارازل و اوباش ِ جماق دار، کارگران و دهقانانِ افغان ساکن این روستا و خانواده های آنا ن را با چوب و چاقو مورد حمله قرار داده خانه ها و موتور های آنان را به آتش کشیده نزدیک به ٥٠٠ الی ٦٠٠ تن از احشام آنان را سر بُریده و زنان و دخترانِ شان را مورد تجاوزِ جنسی قرار داده اند. هم اکنون این خانواده های آسیب دیده همراه با کودکان و فرزندانِ شان در خیابان ها بدون سر پناه، غذا و وسایلِ لازم برای حفاظت خو بسر میبَرند "**

باری، سخنگوی وزارت امورخارجهٔ رژیم حامد کرزی به خبرنگاران درماه اپریل ٢٠١٤م گفت که " **مقاماتِ افغانستان همواره ازهمتایانِ ایرانی خود خواسته اند که مجازاتِ افغانهایی را که در ایران به اعدام محکوم هستند، به حبس ابد تغییر بدهند)** .این هم توجه، دلسوزی و دفاع از اتباع افغانستان توسط دولت کرزی (!!

خبرگزاری بی بی سی همچنان گزارش داد که " : **اجسادِ پنج تن از افغانهای اعدام شده {درایران}، به اقاربِ شان در ولایتِ بدخشان تسلیم داده شد** ".خبرنگارِخبرگزاری مذکور(مبین غفوری) ازقولِ اهالی شهرکِ کلفگانِ بدخشان گفت " :**ظرفِ شش ماه، هشتاد نفر از جوانانِ شان درایران اعدام شده اند... هفتصد نفرآنها هنوز در زندانهای ایران هستند و ازآن جمله، ٣٥٠ تن منتظرِ اعدام میباشند ... یکی از زندانیانِ افغان بنام محمد نو روزی گفته که در یک هفته، بیست نفرهم سلولی وی اعدام شده اند (123)** "...

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

متعاقبِ آن، بازهم رسانه های داخلِ افغانستان افشا نمودند که اجسادِ یکتعداد ازجوانانِ اعدام شدهٔ افغان، از ایران به شهرکِ غوربند) مربوط ولایت پروان) انتقال داده شده است .

خبرگزاری بی بی سی بتاریخ هجدهم ماه اپریل سال ۲۰۱۳ م گزارش داد که **" بیشتر از دوصد نفر از اهالی ولسوالی {شهرک } کهسان ولایت هرات، در برابرِ کنسولگری ایران در شهر هرات دست به تظاهرات زدند...این معترضان که اجسادِ نُه نفر از بسته گان شان را باخود حمل میکردند، میگویند که نیرو های امنیتی ایران این افراد را سال پیش در داخلِ خاکِ ایران تیر باران کردند... درماه دسامبر، حدود یکصد و پنجاه نفر از باشنده گانِ شهرکِ اسلام قلعه درهرات، خواهانِ تحویلدهی جنازه های این سیزده نفراز دولت ایران شده بودند، اما مقام های ایرانی در آن زمان ادعا های معترضان را رد کردند "...**

هنوزموجِ غم و اندوهِ اهالی ولایت هرات فروکش نکرده بود که گزارش های دیگری مبنی برشلیک مرزبانانِ ایران بالای یکتعداد ازافغانهای پناهنده به نشررسیدند. شبکهٔ خبررسانی افغانستان ازقولِ خبرنگارِ خویش ازولایت فراه نوشت که **" تا بحال جنازه های ده تن کشته شده به ولسوالی لاش و جوینِ ولایت فراه انتقال داده شده است. دراثرشلیکِ گلولهٔ مربانانِ ایرانی، نُه تن دیگر از افغانهای پناهنده زخمی شده اند "...**

خبرگزاری (بی بی سی) نیزعین گزارش را به روزِ دهم ماه می ۲۰۱۳م به نشر رسا نیده ازقولِ منابع رسمی علاوه نمود که **" زخمی های انتقال یافته به بیمارستانِ ولایت فراه گفته اند که دست کم بیست تن از همراهان شان کشته شده اند " ...**

خبرگزاری بی بی سی بتاریخ هشتمِ ماه جون سال ۲۰۱۳م گزارش داد که اخیراً مقام های ایرانی دوازده نفرازشهروندانِ بی پناهِ افغانستان را درشهرهای " کرَج"، " اراک " و اصفهان " اعدام نمودند. گزارش ازقولِ مسوولانِ سفارتِ افغانستان درتهران علاوه نمودکه صد ها تنِ دیگرازشهروندانِ افغانستان ظاهراً به ارتباطِ جرایم مرتبط با مواد مخدر درایران محکوم به اعدام گردیده و هرلحظه انتظارِمرگِ خویش را میکشند. این اعدام های گسترده درحالی ازسوی مقام های ایرانی صورت میگرفت که دولت افغانستان هیچ اقدام مفید، مؤثر و سازنده به منظور جلوگیری ازاین فاجعهٔ بزرگ بعمل نمی آورد .

همچنان، برخی از رسانه های افغانستان دراوایل ماه مارچ ۲۰۱۵م گزارش دادند که به تعداد پنج تن ازجوانان مربوط قریهٔ چهارتوت کلفگان درولایت بدخشان که به منظور جسُت وجوی کاربه ایران رفته بودند، توسط جمهوری اسلامی ایران اعدام گردیده و اجساد آنها را رد مرز نموده است . بعضی از رسانه های تصویری، صحنهٔ عزاداری، فریاد های مادر، همسر و کودکان اعدام شده ها را نیز به نمایش گذاشتند .

موضوع دیگری که مردم افغانستان را سخت خشمگین ساخت، همانا اخراج اجباری حدود یکهزار کودکِ مهاجرِ افغان ازخاک ایران بود. گفته شد که مقام های ایرانی، این کودکانِ معصومِ افغان را بدون همراهی پدران و مادرانِ شان و بدون اندکترین احساسِ عاطفی و انسانی جمع آوری نموده عمداً و جبراً بسوی افغانستان فرستادند .

این موضوع را مسوولانِ دفترِ ساحوی کمسیونِ مستقلِ حقوقِ بشر در ولایت هرات به نشر رسانید .

مصایبِ افغانهای پناهنده درجمهوری اسلامی ایران آنقدرگسترده وغمبار بود که مقام های برخی از ولایاتِ آن کشور، با صدورِدستور رسمی عنوانی مؤظفین پارکها ونصب لوحه های بزرگ، حتا ازورودِ پناهنده های مذکور و کودکان معصومِ آنان به پارکهای عمومی شهرممانعت بعمل آوردند، ازدواجِ زنان و دوشیزه گانِ ایرانی با افغانها را قدغن کردند، از آموزشِ پسران و دخترانِ این پناهنده های درد دیده درمکاتب و مدارسِ ایران جلوگیری بعمل آوردند و آنهمه بیدردی و بی رحمی را تا بدانجا رسانیدند که برای دُکانداران و فروشنده گان دستور دادند تا ازفروشِ مواد خوراکه و سایرموادِ موردِ نیاز برای پناهنده های افغان خود داری نمایند.(آنچه که کمتردرجریان تاریخ بشری دیده شده است)

همچنان " صدای امریکا " و سایرِ رسانه های داخلی و خارجی درماه آگست ۲۰۱۳م گزارش دادند که مقام های جمهوری اسلامی ایران، حق استفاده از بسهای شهری و خرید مواد غذایی ازمغازه ها را ازافغانهای مهاجرسلب نموده است. این البته بد ترین و غیرِانسانی ترین اقداماتی بود که مقام های ایرانی درحقِ بی پناهانِ افغان انجام میدادند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

این درحالی بود که حکومت مدارانِ آن کشور، ظاهراً از داشتنِ " روابط نیک اسلامی و همسایه داری خوب و ..." با افغانستان دم میزدند .

اسنادِ تصویری زیادی نیزازمجرای " یوتوب " و صفحاتِ " فیس بُک " به نشر رسیدند که نشاندهندهٔ بیداد گری های وحشت آورِمؤظفینِ مرزی ایران دربرابرِ افغانهای پناهندهٔ پریشان بودند. درفلم های ویدیویی، به صراحت دیده میشد که پولیسِ ایران نه تنها فحش و ناسزای کین توزانه و متعصبانه نثارِافغانهای آواره میکنند، بلکه آنها را موردِ لت و کوبِ شدیدِ دستجمعی نیزقرارمیدهند. دریک سندِ تصویری دیگردیده میشود که پولیسِ جمهوری اسلامی ایران بالای تعدادی ازافغانهای پناهنده شلیک نموده و آنعده یی که زخمی شده اند، چون مار بخود می پیچند، فریاد دلخراش میکشَند و شدیداً به کمُک نیازدارند، ولی افرادِ پولیسِ مسلحِ ایران، به سوی زخمی ها مینگرند و بیدردانه می خندند .

شاید باشند عده یی که هنوزهم پیرامونِ کمُکهای مالی و نظامی جمهوری اسلامی ایران برای گروه تروریستی طالبان، باساس ملا حظهٔ مثلاً وجودِ اختلافِ مذهبی میان طالبان و ایرانیان و داشتنِ مخاصمتِ دیرینهٔ (ناشی از قتلُ نه تن ازدیپلوماتهای ایرانی در شهر مزار توسط گروه طالبان درسال ۲۰۰۷م) و همچنان، بخاطر اینکه گروهِ مذکور اهل سنت و پیرو رژیم وهابی عربستان سعودی بوده و ازآن طرف حمایتِ مالی و سیاسی میشوند و یا تبلیغات و لفاظی های جانبِ ایران مبنی بر دوستی و حسن همجواری و ... با افغانستان و امثالهم، نا باور باشند، اما، از آنجایی که ایجاباتِ مصالح و منافع سیاسی حکومت ها میتواند وقتاً فوقت چرخشهای عجیبی را از خود بروز دهد، بنابرآن، باید گفت که ضدیت های ظاهری جمهوری اسلامی ایران با امریکا از یکطرف و ایجادِ مثلث (روسیه – چین – ایران) دربسترِ" سازمان همکاری های اقتصادی شانکهای"، درحقیقت بعنوان یک سازمانِ سیاسی بازدارندهٔ ایالات متحده درمنطقه، میتواند ایران را وادار سازد تا " دشمنِ دشمن اش " را با ذرایع مختلف حمایت نموده دشمنِ اصلی و قوی را در کوهپایه های افغانستان زمین گیر سازد .

یکی ازسرکرده گان گروه طالبان که درمیانه های ماه جون سال ۲۰۱۵م توسط نیرو های امنیتی افغانستان دستگیرگردید، مقام های امنیتی کشورگفتند که وی اعتراف نموده است که مقام های جمهوری اسلامی ایران، هرنوع سلاح جنگی را دراختیارطالبان قرارمیدهد، چنانکه برنامهٔ تلویزیون (یک (درکابل نیزجریان را به نشررسانید. بهمین سلسله بود که وبسایت " گفتمان دموکراسی " مقاله یی را به قلم " سیامک بهاری " مبنی برحمایت های مالی، جنگی و آموزشی گروه طالبان توسط جمهوری اسلامی ایران را درجریان ماه جون به نشر رسانید که بخشی ازمقالهٔ مذکور را در اینجا درج میکنیم :

17 ... "سال پس ازکشته شدن ۷ تن از پاسدار- دیپلوماتهای کنسولگری جمهوری اسلامی درمزارشریف درجریان تصرفِ این شهر و رو در رویی جمهوری اسلامی ایران و طالبانِ افغانستان درکشاکشِ رقابتهای منطقه، سپس همراهی و همکاری بی چون و چرای جمهوری اسلامی بعنوان مهم ترین حامی ائتلافِ مخالفانِ طالبان، با نیرو های نظامی و امنیتی امریکا و متحدینش برای ساقط کردنِ طالبان، پس ازیکدورهٔ طولانی پرُتشنج میان این دو نیروی فوقِ ارتجاعی درمنطقه، تغییرِ تناسبِ قوا و سیر شتابندهٔ حوادثِ سیاسی، جمهوری اسلامی ایران و طالبانِ افغانستان را از مصاف با یکدیگر، به همکاری و همفکری و روابط حسنه واداشته است. تاجایی که سخن بازگشایی علنی دفترطالبان درتهران میشود (به میان می آمد .(ظرفیتهای مشترکِ خطرناکِ تروریستی، تشابه ارتجاعی طرفین ضرب درمنافع و نیاز های مشترکِ استراتژیک حاصل از تحولات ژئوپولتیک، تهدیدِ حضورِ داعش و نیرو گرفتنِ آن درافغانستان و جلب بدنهٔ ناراضی طالبان بخود، موقعیت طالبان را نیز دستخوشِ تلاطم جدی کرده است. جمهوری اسلامی بعنوان یکی از بازیگرانِ سیاسی درافغانستان، برمتنِ شرایط مشابهی به نزدیکی و همکاری با طالبانِ افغانستان نیازمند است. حدوداً دو سال پیش دیلی تلگراف درگزارشی اعلام کرد که دفتر غیر علنی طالبان در زابل زیر نظر حفاظتِ سپاه قدس شروع بکار کرده است .آموزش و مسلح کردنِ بخشی از نیرو های ویژهٔ طالبان نیز در پایگاه های سری همین نیرو آغاز شده است. جمهوری اسلامی این خبر را تکذیب و اما درقبال انتشارِآن سکوت کرد. پس ازمدتی، بخشی از شنود های جاسوسی که به دست دیلی تلگراف نیز رسیده و یا در اختیارش گذاشته بودند تا منتشر کند، پرده از روابط گستردهٔ نیرو های طالبان و سپاه قدس برداشت. درخرداد ماه ۱۳۹۲ سخنگوی طالبان

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

(قاری محمد یوسف احمدی (در گفت وگوی ازپیش تدارک دیده شده ای با خبر گزاری اسلامی " افغان " که درپاکستان مستقراست، اعلام کرد که نماینده گان دفترسیاسی طالبان در قطر به جمهوری اسلامی ایران سفر کرده اند .پس از علنی کردنِ این روابط توسط طالبان، خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران چنین نوشت : درنشستِ بیداری اسلامی در تهران، محمد الله نعمانی وزیرتحصلات عالی طالبان و شمس الدین پهلوان والی قبلی میدان وردک در زمان حکومت طالبان حضور داشته اند "...

نکتهٔ مهمِ دیگرمبنی برمداخلات پنهانی مقام های ایرانی درامورافغانستان و سعی آنها دراستمرارِ نا امنی دراین کشور اینست که متعاقبِ سقوطِ امپراتوری شوروی دیروز و رهایی نسبی جمهوری های تابع آن، ایالات متحدهٔ امریکا برنامه هایی را به منظور دسترسی به منابع نفت و گازِ کشورهای آسیای مرکزی، بویژه ترکمنستان، رویدست گرفت. یکی ازبرنامه های آن، عبوردادنِ خطِ لولهٔ انتقالِ نفت و گازآن کشورازمناطقِ شمال غرب افغانستان به بندر " گوادر" در ایالت بلوچستان پاکستان به مصرف هشت تا ده ملیارد دالربود .

ایرانی ها درعین حال، مشتاق بوده وهستند تا چنین سرمایه گزاری بزرگ، بجای افغانستان، درقلمرو ایران صورت گیرد. واما، هرگاه در افغانستان و بخصوص، در مناطقِ غربی آن امنیت حاکم باشد و ایالات متحده درآنجا به پیروزی هایی نایل آید، این آرزوی مقام های ایرانی برآورده نخواهد شد. روی همین مقصد سیاسی و اقتصادی است که ایرانی ها، با دست اندازی ها، فشار وارد کردنها، تخریبات و سبوتاژ میخواستند ازعملی شدنِ این پروژهٔ امریکایی درافغانستان جلوگیری بعمل آورند. علاوه ازآن، جمهوری اسلامی ایران با سؤاستفاده ازاوضاعِ جنگی، مجبوریت های مهاجرتی، فقرعمومی واعتقاداتِ دینی ومذهبی مردم افغانستان، پس ازسالهای جهاد نیزسرمایه گذاری های فرهنگی، عقیدتی و اطلاعاتی دراین کشور بعمل آورده است که ایجادِ نیروی **" سپاه محمد "**، **"جهاد سازنده گی خاتم المرسلین"**، **"کمیتهٔ امدادِ امام خمینی "**، **مدرسهٔ " الزهرا "** ، **"مجمع اهل بیت"** ، **"بنیادِ مستضعفین"** ، **"ثارالله"** ، **" فداییانِ امام "** و نیز، به راه اندازی رسانه های چاپی، صوتی و تصویری و ده ها تشکیل و کانونِ دیگرازآن جمله میباشد. حتا مقام های ایرانی در کشور های خارج و در جا هایی که کتله های افغان حضوردارند، دست به فعالیت های سیاسی – تبلیغاتی زده یا بوسیلهٔ سفارتخانه های شان " مراکزاسلامی" ایجاد میکنند و یا اگر چنین مراکزی قبلاً ایجاد شده باشند، تحت شعارهای مذهبی یا " امداد " مالی و غیره، سعی میکنند، بخصوص درمیانِ تجمعاتِ هم میهنانِ اهل تشیع ما نفوذ نمایند .

مقام های جمهوری اسلامی ایران، پیوسته سیاستِ دوگانه یی را در قبالِ اوضاع و احوالِ افغانستان بازی میکرد. مثلاً، ازیکطرف براساس گزارشهای منتشر شده، ازمجاری خاص و در خصومت با حضورِ نیرو های امریکایی درخاک افغانستان، گروه هایی از طالبان را تسلیح و تمویل میکردند و ازسوی دیگر، مقدار معتنابهی پول را وقتاً فوقت برای برخی ازوزرا، وکلا، کارمندانِ مهمِ امنیتی، رسانه داران و حتا برای حامد کرزی رییس جمهورافغانستان می پرداختند. چنانکه درجریانِ سال ۲۰۱۱ میلادی بود که تحویلدهی یک بسته " یورو) "پول اروپایی) ازسوی سفیرایران درکابل، برای " عمر داوودزی" رییسِ دفترِحامد کرزی در میان هواپیمای حاملِ رییس جمهور افشا گردید و حامد کرزی هم دربرابرسوالِ خبرنگاران اعتراف نمود **که " بلی ! دوستانِ ایرانی و غیر ایرانی همیشه بما پول میدهند (124) "** .ومتعاقبِ آن، روزنامه های امریکایی (نیویارک تایمز و واشنگتن پُست نیز افشا نمودند که شبکهٔ سی آی ای، بسته های پول را بصورت پیوسته به ارگِ ریاست جمهوری افغانستان فرستاده و هنوز هم میفرستد .

برخی از رسانه های افغانستان نوشتند که مقام های جمهوری اسلامی ایران، با استفاده از ناگزیری های افغانهای پناهنده، آنها را غرض جنگیدن به سوریه میفرستند. چنانکه خبرگزاری بی بی سی بتاریخ چهارماه می ۲۰۱٤م از قول " وال ستریت ژورنال " نوشت " : **این نشریهٔ امریکایی به تازه گی گزارش داده بود که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، هزاران مهاجر افغان را در برابر پرداخت ماهی پنجصد دالر، دادن خانه، مجوز اقامت در ایران و کارت خیریه، به سوریه اعزام میکند تا با مخالفان رژیم بشار اسد بجنگند... رییس دفتر آیت الله محقق**

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

کابلی مرجع تقلید شیعیان افغانستان مقیم ایران، جزئیات این خبر را تأیید کرده و گفته که سپاه پاسداران، جوانان افغان را تشویق میکند که به جنگ سوریه بروند "...

اسناد مربوط شکنجه و اعترافات یکعده افغانها یی که ظاهراً ازجبهات جنگ دست درسوریه دستگیر شده بودند نیز ازطریق صفحات فیس بُک به نشر رسیدند .

تنها دست پاکستان و جمهوری اسلامی ایران درچنین جفاکاریها و نا جوانمردی ها علیه اتباعِ بی پناهِ افغانستان دخیل نبود، بلکه حتا رژیم وهابی عربستان سعودی نیزعلاوه ازصدورِ بیوقفهٔ مرگ و تروریسم بخاکِ پامال شدهٔ افغانستان وحمایت های بیدریغ ازگروه های افراطگرای وهابی و سلفی، تعداد زیادی ازخانواده های پناهنده و کودکانِ معصومِ افغان را به کرات درخاکِ خویش دستگیر، زندانی و ازآنجا اخراج نمود .

خبرگزاری بی بی سی بتاریخ سیزدهم ماه می سال ۲۰۱٤ میلادی نوشت که " **اخیراً سیزده کودکِ افغان توسط نیروهای امنیتی عربستان سعودی دستگیرو ردِ مرز شدند. خانواده های شماری از این کودکان در عربستان هستند و دولتِ عربستان آنها را بدون همراهی خانواده های شان بکابل فرستاده است . این کودکان به خویشاوندانِ آنها در افغانستان تحویل داده شدند و این امر، خانواده های آنها را در عربستان تحت فشار قرار میدهد که به کشور خود بازگردند "...**

سخنگوی وزارت کاروامورِاجتماعی افغانستان گفته که " **دوازده تن از این کودکان از ولایت بغلان و کودک سیزدهم از ولایت جوزجان است ... درسال گذشته هم چهارده کودک و در سال ۱۳۹۱، بیست و هفت کودک ازعربستان سعودی به افغانستان ردِ مرزشده بودند) "...**آری ! چنین بود و هست احساس و عاطفهٔ مسوولانِ این این دو کشوراسلامی درقبالِ اوضاعِ افغانستان و سرنوشتِ درد انگیزِ مردم حرمان کشیدهٔ آن .

ارتباط پنهانی چین با گروه طلبان

نشریهٔ " فارن پالیسی" نوشت " : **وقتی که ملاقاتهای امریکا و اروپا با طالبان با خطِ درشت به چشم میخورد، داد و ستد چین با طالبان در عقبِ پرده دوام داشت...حتی در یازدهمِ سپتمبر سال ۲۰۰۱م در لحظاتی که برج های تجارتِ جهانی درنیویارک مورد حمله قرارمیگرفتند، یک هیأتِ چینی برای امضای قرار داد تجارتی درکابل با طالبان نشسته بود... بعد ازسقوطِ نظام طالبان، بازهم چین روابطِ پنهانی خود را با شورای کویته حفظ کرد...درپهلوی پاکستان، چین کشوری به شمار میرود که تماس خود را با طالبان ادامه داد. . . روابط چین با طالبان درسالهای ۱۹۹۹ بیشتر به نگرانی چین در مورد حرکت های آزادی خواهی مسلمانان ایغور در چین رابطه داشت..." (۱۲۵)**

درهمین رابطه باید افزود که مقام های چین با درکِ دقیقِ برنامهٔ ستراتژیکِ ابرقدرتِ امریکا در منطقه، همیشه ازرهگذرِ دست اندازیها و تحریکاتِ جانبِ امریکا درایالت مسلمان نشینِ سینکیانگ یا همان کاشغرقدیم علیه دولت مرکزی (پیکنگ) نگران بوده است. چنانکه درسالهای اخیر، علامات و شواهدِ عملی این نوع دست اندازیها ملاحظه هم گردید. مگرمقام های چین بازهم باساس همان درک و شناختِ دقیق ازاصلِ منبع شورش و ماهیتِ محرک یا محرکین، اقدام به سرکوبِ خونینِ ایغوریها نمود. مثلاً رسانه های دولتی چین درماه جون سال ۲۰۱۳م اعلام نمودند که به تعداد بیست و هفت نفر دراثرشورش در ناحیهٔ " تورفان " سینکایانگ کشته شده و تعداد دیگری دستگیر شده اند. دوماه قبل ازآن نیز مقام های چینی اعلام نموده بودند که به تعداد بیست و یکنفر ازآشوبگرانِ سینکیانگ به قتل رسیدند و درسال ۲۰۰۹ میلادی بود که دراثرِتحریکا ت و برخورد های قومی درآن ایالت، به تعداد دوصد نفرکشته شدند .

مسوولانِ دولتِ چین با صراحت اعلام نمودند که " با جدایی طلبان {ایغوری} با مشتِ آهنین برخورد میکنیم "

بهمین سلسله، یک دادگاهِ چین درشهرِکاشغر، یازده نفرِ دیگر را به جُرم تحریکِ مردم به سوی تفرقهٔ نژادی و افراط گرایی دینی با استفاده ازانترنت، به دوره های مختلفِ حبس محکوم نمود. مقام های چینی گفتند که این افراد، به زور و بی اجازهٔ به منازلِ مردم داخل شده دستگاه های تلویزیون را می شکستاندند. مقام های مذکورهمچنان اظهارداشتند که افرادی که محکوم به حبس شده اند، مربوط به مسلمانانِ ایغور بوده با اسلامگرایانِ پاکستان و آسیای میانه ارتباط داشتند .

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

این نکته را نیزباید متذکرشد که درایالت سینکیانگ، به تعداد هشت ملیون مسلمان زنده گی میکنند که با آسیای میانه و افغانستان مرز مشترک دارند .

چنانکه طی صفحاتِ گذشته نیزگفتیم، تحرکاتِ بنیادگرایی مذهبی، فعالیتهای احزاب درآسیای میانه، نفوذِ متقابلهٔ این تحرکات ازجنوب به شمال و ازشمال به جنوب (دردوسوی آمودریا) وجودِ نیروهای اسلامگرای افراطی درکشورهای آسیانه میانه و در صفوفِ گروه طالبان ونیز، درمناطقِ شمالِ کشور، بخصوص درولایاتِ قندوز و تخار، یکی از نشانه های تحرکاتِ بنیادگرایانهٔ مذهبی درمنطقه است. این نیروها درسالهای اخیر(ازسالهای ۲۰۱۱ به بعد) درشمالِ افغانستان، مرتکب اعمال تروریستی زیادی شدند و تعدادی ازآنها توسط نیروهای امنیتی افغانستان دستگیرهم گردیدند. خبرگزاری بی بی سی دراوایلِ ماه نوامبر۲۰۱۳م ازقول منابع ناتودرافغانستان گفت که**" ناتو دو فرمانده جنبش اسلامی ازبیکستان را در قندوز درشمال افغانستان بازداشت کرده اند "**بی بی سی به نقل از منابع مذکورعلاوه نمود که **" دو فرمانده درساختن بمب های کنار جاده ای و کار گزاری این بمب ها دست داشته اند ".**باید گفت که قبل ازآن نیزگزارشهایی مبنی بر دستگیری عده یی ازاعضای جنبش اسلامی ازبیکستان درولایت قندوزبه نشر رسیده بودند .بی بی سی در ماه اپریل سال ۲۰۱۲ میلادی گزارش داده بود که مقام های تاجیکستان، به تعداد سی و چهارنفراعضای جنبشِ اسلامی ازبیکستان را در ولایتِ سغد مورد محاکمه قرار داده و هریک ازآنها را ازهشت تا بیست و هشت سال حبس محکوم به زندان نموده اند .

بازیها و برنامه های سِری و اطلاعاتی رژیم ها علیه ملت و مملکت افغانستان شاخ و برگِ عجیبی داشته است. مثلاً، آژانس خبر رسانی " فارس" اطلاع داد که **" نیرو های امنیتی شهرِ عقبه درجنوبِ اردن، دوازده کامیونِ اسراییلی حاملِ مواد و تجهیزات نظامی را که به منظورِ قاچاق این تجهیزات به افغانستان بود، کشف و توقیف کردند... این کامیونها قصد داشتند تا تجهیزات نظامی را در میدان هوایی عقبه با طیاره و از آنجا به افغانستان قاچاق کنند..." (۱۲۶)**

رابطهٔ پنهانی ایتالیا با گروه تروریستی طالبان

سال دوهزارونهٔ میلادی بود که مقام های ولایت هلمندِ افغانستان، اقدام به دستگیری نُه نفراز کارمندانِ صحی (افغانی – ایتالیایی) مربوط به یک بیمارستان درآن ولایت نمود. این بیمارستان ازطرف ایتالیایی ها اداره شده و ظاهراً مصروف معالجهٔ زخمی های جنگ بود. مقام های افغانی گفتند که در میان دستگیرشده گان، سه تن ازکارمندانِ ایتالیایی شامل اند. دلیل این دستگیری این بود که قرار اظهاراتِ مقام های آن ولایت، مقدارِزیادِ موادِ منفجره، واسکت های انتحاری، سلاح و نارنجک های دستی دراین بیمارستان ذخیره شده و قرار بود باساس برنامهٔ تنظیم شده، اولاً انفجار بزرگی در شهر صورت داده شود و همینکه " گلاب منگل" والی هلمند، غرضِ عیادتِ زخمی ها به بیمارستان می آید، او را نیز ترورنمایند. والی هلمند، ضمنِ آنکه ارتباطِ افرادِ دستگیر شده با طالبان را گزارش داد، این نکته را نیز رسماً افشا نمود که **" یکی از کارمندانِ خارجی بیمارستان برای کشتنِ من، پنجصد هزار دالر دریافت کرده بود "** .

درارتباطِ تماسهای مخفی آلمان و فرانسه با گروه طالبان بود که برخی منابع مطلع افشا نمودند که هردو کشورمتذکره، نقشِ عمده و مهمی در جهت برقراری تماسِ طالبان با مقام های امریکایی، براه اندازی مذاکراتِ مخفی میان آندو و بالاخره، گشایشِ دفتررسمی گروه تروریستی طالبان در دوحه پایتختِ شیخ نشینِ قطر در نیمه های ماه جون سال ۲۰۱۳ میلادی گردید .

خوانشِ این مطلب، یکباردیگراسرارسیاسی نهفته دردرونِ هنگامه های ظاهری صلح خواهی و" جنگ علیه تررویسم" را برجسته مینماید. اسرارِدرونی این " جنگ علیه تروریسم" که تاحال جانِ هزاران انسان بیگناهِ افغانستان و منطقه را گرفته و تبلیغات دامنه داری پیرامونِ آن به راه انداخته شده است، آنقدرظریف، بغرنج و پیچیده است که مثلاً،گفته شد **" : دولت ایتالیا با هدف تأمین امنیت نظامیان خود در افغانستان، سالها اقدام به پرداختِ رشوه به طالبان کرده است . .. امریکا در سال ۲۰۰۸م توسط رونالد سپوگلی ، سفیر وقت آن کشور در ایتالیا، از این مسأله آگاه شد و سفیرمذکور چندین بار در ملاقات با مقام های امریکایی در اکتوبر ۲۰۰۸، با ارائهٔ گزارشی در زمینه، از اقدام**

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

ایتالیا در پرداخت رشوه به نیرو های طالبان به عنوان ضربه ای بزرگ بر علیه نیرو های نا تو یاد کرده است " . (127)

روزنامۀ " تایمزلندن" نیزبا انتشارِ یک گزارش درهمین زمینه، به نقل ازمحمد اسماعیلی یکی از فرماندهانِ طالبان نگاشت که " : **این معامله در سال گذشته و با هدف تضمینِ امنیتِ نیرو های ایتالیایی مستقر در منطقۀ سروبی واقع در شرق کابل به وقوع پیوست ...براساس معاملۀ مذکور، نظامیانِ طالبان در قبالِ دریافتِ مبلغی وجه نقد، از هرگونه حملۀ نظامی علیه نیرو های ایتالیایی در هر نقطه ای از خاک افغانستان به ویژه، هرات و حتی در خاک پاکستان امتناع خواهند کرد.**

نشریۀ " امیدِ وطن " ازقولِ پایگاهِ ضد جنگ (انتی وار) نوشت که این موضوع که بیشتر بودجۀ طالبان بصورت مستقیم یا غیر مستقیم توسط نیرو های امریکایی تأمین می شود، بر

نگرانی ها دربارۀآیندۀ جنگِ افغانستان افزوده است. " انتی وار" ازقولِ واشنگتن پُست علاوه نمود که **" ملیونها دالر از مالیات هایی که مردم امریکا به دولتِ اوباما پرداخت کرده اند، در اختیارِ طالبانِ افغانستان قرار گرفته است ... این پولها به منظورِ تأمینِ امنیت برای پروژه های در دستِ اقدامِ امریکا در جنوب افغانستان به طالبان پرداخت شده است ... این در صورتیست که همین اکنون بیش از یکصد و پنجاه هزار نیروی خارجی درافغانستان حضور دارند "...**

بازیهای سیاسی واستخباراتی کشورهای ذیدخل درامورِافغانستان،گاهی آنقدررسوا آمیزمیشد (و میشود) که مثلاً، یک منبعِ مطلع به رسانه های افغانی گفت **" : برنامۀ ادغامِ مجدد {برگردانیدنِ گروه طالبان به قدرتِ سیاسی درافغانستان} که با پشتیبانی کاملِ نا تو به پیش میرود، به این هدف انجام میشود تا جلو حملاتِ شبه نظامیان طالبان علیه عساکر نیرو های کمُک به برقراری صلح و امنیت در افغانستان موسوم به ایساف را بگیرد... درطرح جدید، آن دسته از شبه نظامیان که به نیرو های انگلیسی حمله کرده و آنها را کشته اند نیز مورد عفو قرار می گیرند و این موضوع بدان معنا است که محاکمه ای در انتظار آنان نخواهد بود... این توافق، بخشی از سیاستی است که به امضای دولت انگیس. . . سرویس جاسوسی فرانسه از سالها پیش با تمامی اقوام و کمپ های طالبان رابطه داشته است و از افغانستان شناخت ویژه و خاصی دارد. " (۱۲۸)**

آنچه راجریان "مبارزه علیه طالبان و القاعده" درمنطقه و جهان برجسته ترساخته و انسان را به دست های خونینِ پشت پرده متوجه میساخت، این بودکه قدرتهای استعماری چگونه درپناه چنین تبلیغات، رویدادها، تهدیدها وخزیدنها، ره بسوی اهدافِ نا پاکِ خویش می گشودند و میگشایند ؟

وزارت امورخارجۀ ایالات متحدۀ امریکا دریکی ازگزارشهای خود چنین بیان داشت " : **نظامیانِ طالبان وفعالیتهای آنها درافغانستان هنوز یک تهدید جدی برای ثباتِ منطقه است ... نیرو های طالبان علاوه بر دریافت بودجه، با قاچاقچیانِ مواد مخدر همکاری کرده و در مناطق قبیله نشینِ پاکستان پناهگاه می گیرند. پاکستان همچنان یک منبع مهم برای این افراد و یک پناهگاهِ امن برای رهبرانِ این گروه تروریستی محسوب میشود، گروهی که درنیمۀ دهه ی ۱۹۹۰م سرویس های اطلاعاتِ ارتش پاکستان آن را تشکیل داد تا کشورِ همسایه را در چنگ خود بگیرد..." (۱۲۹)**

وزارت امورخارجۀ ایالات متحدۀ امریکا، طی گزارشِ سالیانۀ خویش عنوانی کنگرۀ آن کشور، بار دیگرتأیید نمود که **" اکثرحملاتِ تروریستی سال ۲۰۱۳ میلادی در افغانستان، ازکشورِ پاکستان سازماندهی شده بود... هرچند رهبرانِ شبکۀ القاعده درافغانستان و پاکستان ضعیف شده اند، با آنهم اعضای آن درتلاشِ نگه داشتنِ روابطِ شان با شبکۀ حقانی، تحریک طالبانِ پاکستان و طالبانِ افغانستان هستند و حملات آنها از خاکِ پاکستان طرح و سازماندهی میشود ".**

باید این نکته را یکبارِدیگرتکرارنمود که ارتباطاتِ آشکار و پنهانِ مالی، سیاسی و ایدئولوژیکِ گروه های تروریستی، بخصوص گروه القاعده و طالبان درافغانستان و پاکستان با رژیم های عربی و شیخ نشین های خلیج فارس نیز آنقدر قابل فهم است که نخواستیم در اینجا عنوانِ جداگانه یی بدان قایل شویم . مجموع رژیم های ارتجاعی و عقبگرای عربی به سردمداری عربستان سعودی، باساس استراتژی های بنیادگرایانۀ مذهبی خویش، ازهیچ نوع سعی و

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

تلاشِ مالی، تخنیکی واستخباراتی درراه ایجاد، تقویت و حمایت های گسترده ازگروه های مختلف تروریستی درسرتاسرجهان وموازی با اقتضاآتِ منافع استعماری تاکنون ابا نداشته اند. یعنی اگرمنابع سرشارِمالی رژیم های مذکورمیسرنمی بود، یقیناً غولِ تروریسم نیزتا این حد بزرگ نمیشد و هرزمانیکه منابع مالی آنها بخشکد، با اطمینانِ بیشتر میتوان گفت که این غولِ جهانی هم دربرابرِ بشریت زانو خواهد زد .

این گزارشها وفعل وانفعالات درداخلِ افغانستان، یقیناً بدون ارتباطِ منطقی با روابطِ مخفی کشورهای مختلف با گروه های تروریستی، بخصوص با گروه تروریستی القاعده وطالبان نخواهد داشت .

حمایت های فکری و مالی رژیم عربستان سعودی ازترویج وهابیت و گسترش تروریسم جهانی تا آنجا افشا وبرملا گردید که " زیگمارگابریل" معاون صدراعظم آلمان درماه دسمبرسال ۲۰۱۵م رسماً وبا ناراحتی اعلام نمود که **"عربستان، تأمین مالی مراکز وهابیون را درسراسر جهان برعهده دارد. بسیاری از افراد که تهدیدی علیه آلمان محسوب میشوند، برخاسته از چنین مراکزی هستند...افراطی گرایی رادیکال که درمراکز سلفی ها درآلمان مشاهده میشود، به همان اندازۀ ایدئولوژی راست فراطی خطرناک است ".**

نیز، " توماس اوپرمن" رییس حزب سوسیال دموکرات درپارلمان آلمان نیز ازدستگاه اطلاعات مخفی آلمان خواست در رابطه با فعالیتهای مراکز وهابیون درآلمان مراقب و هشیار باشند .**ایدئولوژی داعش ریشه در وهابیت دارد و این امرهمچنین به افزایش گرایش های افراطی منجر شده است .**

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ